

الف - نظام فئودالی حاکم بر عصر سلجوقی

که، ا. باسورث می‌نویسد: «متره یک به هزارسال در واقع تا قرن حاضر، دودمانهایی که بر ایران حکومت رانده‌اند، عموماً غیرایرانی بوده‌اند، این دودمانها غالباً ترک و گاه مغول یا کرد بوده‌اند، این استیلا در نهایت امر، کمتر از آنچه که انتظار می‌رفت بر روان‌شناسی ملی و شعور ادبی مردم ایران تأثیر گذاشت. زیرا همه دودمانهای بیگانه‌ای که بر این سرزمین حکومت راندند از اقوامی بودند که از لحاظ رشد فرهنگی در مراحل پست قرار داشتند و بدین ترتیب فاقد تجربه و کارایی لازم بودند، بدین لحاظ خیلی زود متوجه وسایل و ابزارهایی می‌شدند که از قدیم به صورت سنتی در ایران رایج بود، که از این ابزارها می‌توان به تشکیلات دیوانی ریشه‌دار و مستقر، درآمد منظم از مالیات‌گیری و سربرآوردن و خیلی زود شهرهای بزرگ و مراکز پیشه‌وری را در اختیار گرفتند. سیاست اصلی سلجوقیان مبنی بر اتحاد نیروهای مثل اشراف زمین‌دار و فئودال، روحانیت سنتی و پیران صوفیه بود و این سیاست سلجوقیان چادرتشین موفقیت‌های زیادی را برای آنان به همراه آورد. از سویی دیگر اتحاد نیروهای یاد شده نیز برای خود آنان بسیار حیاتی و مهم بود. یکی از این نیروها خواجه نظام‌الملک طوسی است که می‌توان کتاب سیاست نامه او را در حقیقت «آداب نامه حکومت فئودالی» نامید.<sup>۲</sup>

خواجه نظام الملک برای حفظ این نظام فئودالی، خواهان نگهداری ارتشی بزرگ و مجهز بود که با تکیه بر آن سیاست برتری را اعلام دهد و شورشهای تجزیه طلبانه فئودالهای دیگر و با جنش‌های مردم را سرکوب نماید. خواجه نظام‌الملک بدون هیچ گونه نرمشی با فرقه‌های مخالف و به ویژه اسماعیلیان مبارزه می‌کرد تا جایی که در کتاب سیاست‌نامه آنان را بازمانده‌های مزدکیان پیش از اسلام می‌داند.<sup>۳</sup> نظام رایج زمین‌داری در این دوره «اقطاع» بود یعنی زمینهایی اعم از املاک دولتی، ملکی و وقفی و جز آن به افراد صاحب نفوذ و اگدار می‌شد که بعداً به امرای سپاه ارتش نیز به عنوان پادشاه و اگدار می‌گردید. به گفته او آوندی در راحة الصدور، به همه سپاهیان که نامشان در صورت دیوان ارتش بود و شمارشان به چهل و شش هزار تن می‌رسید، اقطاع و اگدار شده بود.<sup>۴</sup>

به تدریج شمار فئودالها به حساب سرشناسان کوچک‌ترین ترک افزایش می‌یافت و سروری سرشناسان کوچک‌ترین بر ساکنان کشاورز ایرانی استوار گشت و این فئودالهای تازه به دوران رسیده هیچ محدودیت قانونی در برابر کشاورز نداشتند. نمونه این فشارها و مقام ترکان در سیاست نامه خواجه نظام الملک نیز آمده است.<sup>۵</sup> به گفته پتروشفسکی در تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران،<sup>۶</sup> روند همگانی رشد زمین‌داری فئودالی در سده‌های ۵ و ۶ هجری قمری، در سویی کم شدن ملکها و تصاحب زمینها به وسیله دولت و فئودالها بود و کشاورزان ایرانی که در زمینهای دولتی یا «اقطاعها» کار میکردند،

# ژرف ساخت سیاسی - اجتماعی شعر عصر سلجوقی

شاعران بزرگی نظیر ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، انوری ابیوردی، خاقانی شیروانی، نظامی گنجوی، ظهیر قاریایی، سعد سعد سلمان ... در عصر سلجوقی ظهور کرده و پاییده‌اند و گمناش انعکاس تحولات اجتماعی و ساختارهای سیاسی اجتماعی این دوران را در آثار آنان می‌بینیم. مجموعه این ویژگیهای سیاسی و اجتماعی را به صورت خلاصه در چند مورد دست‌پندی کرده و به تحلیل مختصری از آنها می‌پردازیم.

موظف بودند در همه جاهایی که شاه می‌رفت عولفه و خولوزار لازم  
اورا فراهم کنند.<sup>۷</sup>

هرچند نظام فتوایی از دورتهای پیشین در ایران ریشه داشت، اما تفاوت در این بود که فتوادهای پیشین از نژاد، مذهب و ملیت خود کشاورزان بودند، در حالی که این گروه بیگانه و غیرقابل تحمل بودند. بدین ترتیب اطاعت از آنان برای مردم بسیار مشکل می‌نمود، از این جهت کاملاً آسانگد داشتند که به ندای شورشیان و اصلاح‌گران اجتماعی مثل اسماعیلیه پاسخ مثبت بدهند.

وضع پیشعروان شهرها هم بدتر از کشاورزان رورستایان بود، بنابراین جمعیت زحمت‌کشان شهری هم نیروی فعالی بر ضد فتوادها و ترکان حاکم به حساب می‌آمدند.

بدین ترتیب، توده‌های مردم شهری و روستایی با تکیه بر مذهب شیعه (اسماعیلی) در مقابل اهل سنت که حامی فتوادها بوده‌اند گره می‌آوردند و چنانکه مشخصه فتوادپروری است، تضادهای طبقاتی و گروهی با پرده مبارزه میان شاخه‌های اسلام به ویژه سنی و شیعه، پوشیده می‌نشد. نیز رگه‌های ملی در این مبارزات نقش اساسی داشت.

این تضادهای مذهبی چنان فراگیر شده بود که هر کسی بدان کشیده می‌شد. مقدس در «حاشیة التفسیر» می‌گوید: «من شیعه که هیچ کس پیش از آنکه جهت‌گیری از یکی از طرفین نکند، آب آشامیدنی را نمی‌خورد، در بلخ و نیز در سمرقند، دشمنی دلیل درست و حسابی ندارد و کم هستند شهرهایی که در آنجا کشتار نباشد»<sup>۸</sup>

نظم و فشار دیگری که در این دوره رایج بود، نظام برده‌داری است که در این عصر رونق و رواج خاصی دارد. سرکردگان و بزرگان اجتماع برای کارهای مختلف، برده استخدام می‌کردند و این بردگان از جمله کالاها می‌بودند که مدینه نیز می‌شدند، در قابوس نامه کیکاووس بن وشمگیر، باب مفصلی به اینان اختصاص دارد.<sup>۹</sup> به حال تسلط ترکان و نظام فتوایی آنان که در زمان و آداب و رسوم نیز با مردم بیگانه بودند، نفرتی در مردم ایجاد نمود که نمونه‌های فراوانی از پلانیهای آن را در متون ادب فارسی و تاریخهای آن دوران سراغ داریم.<sup>۱۰</sup> سرانجام این فشارها و مظالم اجتماعی باعث آمد که مردم ستم‌دیده شهری و روستایی به ندای شورشیان اسماعیلیه پاسخ مثبت بدهند. ما در اینجا اشاره گذرا به آن خواهیم داشت.

اجتماعی تألمات مردم از سدهای متجاوزان ترک و همدستان داخلی آنان بوده است. عکس العمل شدید مورخین و متکلمین و سیاستمداران فتواد عصر سلجوقی نسبت به اسماعیلیه و عقاید آنها در واقع منشعب از خلال و وقتهای است که این حرکت انقلابی در آغاز کار چه از نظر سیاسی و چه از نظر فکری در بطن تفکر و تشکیلات سیاسی خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی ایجاد کرده است.

علامه اقبال لاهوری در باب اسماعیلیه می‌گوید: «آیین اسماعیلی که باعث ایستادن دینی شد اساساً جنبشی ایرانی بوده است. اسماعیلیان به جای آنکه آزاداندیشی ارتداد آمیز عصر خود را سرکوب کنند، کوشیدند که دین را با آن آشتی دهند. از این رو آیین اسماعیلی با آزاداندیشی آن عصر، سخت پیوستگی داشت و از مجادلات کلامی برکنار بود. شیوه‌های تبلیغی اسماعیلیه به شیوه‌های تبلیغی اخوان‌الصفا می‌مانست و این مانندگی حاکی از وجود رابطه‌ای بین این دو فرقه است.» پس آشکار است که آیین اسماعیلی را باید یکی از جنبه‌های مبارزه پایداری که متفکران مستقل ایرانی بر ضد آزمانهای دینی و سیاسی اهل سنت آغاز کرده بودند. دانست و بر خلاف نظر بسیاری از محققان اروپایی که آیین اسماعیلی را مجموعه‌ای مرکب از آدم‌کشان سیاه دل خواندند، اینان این گونه نبوده‌اند و می‌توان گفت که به جهت دفاع از خود که در معرض وحشیانه‌ترین آزارها نبوده، دست به اقداماتی متقابل می‌زدند. نمونه‌های زیادی از زیرسورد و وحشیانه حاکمان ترک و همدستان ایرانی آنان با این فرقه‌ها داریم که با مراجعه به کتابهایی مثل تاریخ بیهقی و سیاست ناعه و یا تاریخ جهانگشای جوینی برده از حقیقت پراکنده خواهد شد.

از سوی دیگر آیین اسماعیلی صدمت‌مدیدی سردمدار فلسفه و فهرمان علم بود و چنین جنبشی، مسلماً نمی‌تواند زاده یک توطئه سیاسی و یا رویایی باشد و اگر به گرایش بزرگانی مثل ناصر خسرو و بعد حواجه نصیرالدین طوسی به آنان توجه کنیم این واقعیت بهتر واضح خواهد گشت که هر حال آیین اسماعیلی از نهضت‌هایی است که تأثیر به‌سزایی در جامعه قرون وسطای ایران نهاده و کمابیش به صورت مخالفت و موافقت در متون برجسته ادبی جایگاه خاصی به خود اختصاص داده است که ناصر خسرو از بزرگترین و برجسته‌ترین شخصیت‌های این تحول در آثار خود و در شعرش، بدان پرداخته است.

ج - سیاست‌های مذهبی و تنگ‌نظریهای عصر سلجوقی

نیمه دوم قرن پنجم و تمام قرن ششم، عصر تعصب‌ها و غلبه متعصبان و روزگار شدت اختلافات مذهبی است، تعصباتی که گاه به زد و خوردهای خونین، تخریب مدارس و کتابخانه‌ها و ویرانگریهای دیگری می‌کشید. در این دوره بر اثر ترویج علوم دینی و انزایش ائمه علمای مذهبی و فقها، قدرت علمای مذهبی و گاهی فساد و دخالت آنان در امور سیاسی و حکومتی زیاد می‌شد و از سوی دیگر، فلسفه و علوم عقلی در این دوره تحریف می‌گردید و به مرحال دوره‌ای است که میانی انحطاط تمدن درخشان اسلامی در آن پی‌ریزی می‌شود و به

ب - سبوس‌های اسماعیلیه

چنانکه دیدیم، رشد بسیار تند پیوندهای فتوایی در قرن پنجم، تضادهای داخلی و فشارهای اجتماعی را در دولت سلجوقی به نهایت رسانید و به تدریج نفرت از حکام ترک و هم‌دستان فتواد و مذهبی آنان در قلب مردم ریشه دوآبند و این موضوع، باعث رشد سریع جریانهای شورشی تأثیر آساعاریه شد. مورخان و متکلمان و نیز سیاستمداران اهل سنت از شهاب‌الدین نوبری ترفته تا امام محمد غزالی تا خواجه نظام الملک طوسی، همگی با هراس و دلهره غیرقابل وصفی از این فرقه یاد کرده‌اند. جنبش اسماعیلیه در واقع ظهور سیاسی

جای حریت و آزادیگی و تساهل و تسامح اسلامی دوره قبل، خشک، مغزی و تعصب رایج می‌گردد. موضوع مهم و قابل توجه در این دوره، تریقه‌های پادشاهان و حاکمان ترک بزاد به سیاست دینی و دخالت آنان در آراء و عقاید مردم است. در دوره پیشین هم این سیاست اعمال می‌شد. سلطان محمود غزنوی، حرس کشورگشایی و طمع وصال دوستی خود را در پس پرده غرزه و جهاد دینی پنهان می‌کرد ویرای تحکیم قدرت خویش گروه گروه مردم را به پای دار می‌کشید یا ازم تیغ می‌گذراند. و به قول خودش «انگشت در جهان در کرده بود و قرمطی می‌بست و بردار می‌کرده»<sup>۱۱</sup>

به مراح این سیاسی بود که توسط غلامان ترک بزاد غزنوی شروع شد و سلجوقیان و دیگر طوایف ترک نیز که بر مذهب اهل سنت بودند، پس از غلبه بر ایران آن را پی‌گیری کردند و بر سختی و شدت آن افزودند و به صورتی بنظیر در تاریخ، تعصبات مذهبی، پوست کنند، مخالفان مذهبی و مثله کردن را رایج نمودند.<sup>۱۲</sup> سلاطین، مذهب حنفی داشتند و خلفای بغداد را جانشین حقیقی پیامبر می‌دانستند، و در احترام و تقویت و تأیید آنان، مبالغه‌ها می‌کردند و بدین سبب با یاطینان و فرقه‌های مختلف شیعه که خلفای بغداد را به حق نمی‌دانستند، مخالف و دشمن بودند و یکی را از دیگری بدتر می‌دانستند.<sup>۱۳</sup> تأیید و تقویت خلیفه بغداد از همان آغاز تسلط ترکان بر ممالک اسلامی آغاز شد. طفول شخصاً مردی متعصب بود و خلیفه را واجب الطاعه می‌دانست و هنگامی که ابوالعاریث بسامیری بر خلیفه شوریده بود وی به کمک خلیفه شافعی و خلافت و تختش را به او برگرداند.<sup>۱۴</sup> سلجوقیان در تعقیب سیاست دینی حمایت از خلفای بغداد و مذاهب اهل سنت، با فرقه‌های مخالف آنان به شدت برخورد می‌کردند و گروه‌هایی مثل شیعه اثنی عشری و قرامطه و باطنیه و معتزله را مورد شدیدترین آزارها و غارتها قرار می‌دادند. خواجه نظام‌الملک وزیر مقتدر این عصر نیز خود، تعصب شدیدی نسبت به مذهب شافعی داشت و هر مذهبی جز آن را لایق ابراز وجود نمی‌دانست.

تعصبات مذهبی در این دوره منحصر به بحث و مشاجرات فقه‌ها یا جنگ و خونریزی‌های دسته‌های مختلف نبود، بلکه به شکل‌های گوناگون دیگری نیز بروز می‌کرد که گاهی دامنه این اختلافات به عوام سرایت کرده و موجب کشت و کشتارها و آتش زدن، مراکز و مساجد گروه‌های مخالف می‌شد. همچنین مسائلی مثل جبر و اختیار و زکریا خداوند و مواردی از این قبیل شدت می‌گرفت که در عصر این دوره نیز کاملاً نمایان است، خاقانی گوید:

رؤیت حسق بسه بر معتزلی

بودنی نیست بین انکارش

مستفد گردد از اثبات دلیل

نسی لاتسدرکه ایسماش

گسود از دیدن او محرومند

مشتی آب و گل روزی عوارش

خوش جوایی است که خاقانی داد

از پسی رد شد گشتارش

## گفت سخن طاعت آن کس دکتش

کسه نبینم پس از آن دیدارش<sup>۱۷</sup>

### د - مدارس نظامیه و تأثیرات اجتماعی آن

تأسیس مدارس نظامیه در نیمه دوم قرن پنجم به وسیله خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر مقتدر عصر سلجوقی نیز یکی از عوامل مهم سیاسی اجتماعی این دوره است. خواجه نظام الملک در این دوره تقریباً سر رشته همه امور مهم سیاسی و اداری حساس را در دست داشت. از سوی دیگر وی به جهت پرورش خاندان مذهبی، تعصبی بی‌نظیر نسبت به مذهب شافعیه داشت. پیش از اقتدار وی، فشارهای حقیقی یا سرکردگی عبدالملک کندی باعث سختگیری‌هایی بر شافعیان و تبعید آنان شده بود. با توجه به این ویژگی‌ها خواجه نظام‌الملک می‌خواست مراکز تأسیس کند که از یک سو مذهب مورد نظرش را تقویت کند و از سوی دیگر مرکز مهم و بازدارنده‌ای برای مخالفت فکری و عقیدتی با گروه‌های مخالف سیاسی باشد.

زیرا، اسماعیلیه، سراسخت‌ترین دشمن خواجه و دستگاه سلجوقی، به سرعت از جهت فکری و عقیدتی رشد کرده و توانسته بودند بهترین شخصیت‌ها و گروه‌های مخالف خواجه را به خود جذب و جلب کنند و از این جهت تمام مساعی خود را برای برانداختن این فرقه اعمال نمود که بازتاب آن در سیاست نامه کاملاً آشکار است.<sup>۱۸</sup>

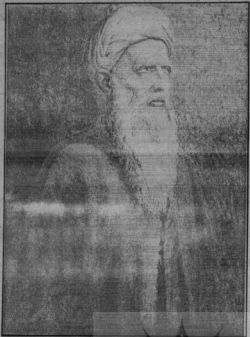
بدین ترتیب خواجه بر آن شد تا علما و فقهای جدلی تربیت کند که از نظر فکری و نظری به شبهه‌های مخالفان پاسخ بدهند که می‌بینم قسمت مهمی از آثار بزرگانی مثل امام محمد غزالی، فقیه شافعی و مدرس نظامیه بغداد مربوط به رد عقاید باطنیه است. یکی دیگر از انگیزه‌های خواجه در تأسیس این مدارس مقابله با تأسیس مراکز علمی فاطمیان در مصر بود.

خواجه با تأسیس این مدارس، جایگاه مناسبی برای طالبان قدرت و مقام مذهبی و اجتماعی فراهم نمود. این طبقه که حمایت خواجه طوسی و منصب تدریس در نظامیه‌ها را بهترین دستاورد برای تحقق آرمانها و مقاصد دینی خویش می‌دانستند، هرگونه سراسختی و خشونت را که از جانب خواجه، علیه فرقه‌های مخالف اعمال می‌شد، بیجا و مشروع جلوه می‌دادند و در حقیقت، بیشتر موضوع وعظ و خطابه نظامیه‌ها با مؤلفات دانشمندان آن، توجیه و تأیید سیاسی بود که خواجه می‌خواست کتاب «فصاح الباطنیه» و «تهافت الفلاسفه»، امام محمد غزالی بهترین گواه بر این ویژگی است.

مجالس وعظ نظامیه‌ها که غالباً به منظور طرد مخالفان تشکیل می‌شد،<sup>۱۹</sup> مهم‌ترین عامل تشدید مشاجرات و مناظرات مذهبی در آن دوران بود و غالباً بحث‌های این مجالس به عوام و توده مردم نیز سرایت کرده و موجب زد و خورد‌هایی می‌شد.

بلاشهر، ششترک معروف می‌گوید: «اهمیت کار نظام‌الملک بیشتر از آن جهت است که وی معتقد بوه مبارزه و مقابله با سلیمات علوی و فاطمی تنها طرق نظامی و سیاسی ممکن نیست. بلکه این

ع بسخته و واقف نالتا هو دود چ و صغ و پت  
 رسو حد فته پد لغولمه و عناهه به رحله  
 عا پر مال ۷ پند تا ع پند پمان تشنگان تا  
 لکنشونچان رو ع غت پر ال لواله پنه و غنشین پت  
 به و لست ع پند بلو و بار نچ ع هو پوسنه ل  
 عه که اولشا لوبلچو زبدا هو رن لعا



۷۷- لوبلچو به صغ رسا رالسا حد مکه  
 نیشینتا تشامعه تا حد روایچه به تشغه  
 ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 به رها تشنگان و بار و کله مال رو پنه پت به  
 ناله پشته لوبلچ تشنگان او چ پند مکه پند او  
 رن لست و لسا و اوصالی و لست ع هو پ  
 زبدا و لکنشونچان لوبلچ لوبلچ پت به پند  
 مکه لست تا باریه رو لکنشونچان له لکنشونچان  
 تشا نالولما پند رو با نایته و لغوشان تا به

رو لکنشونچان لوبلچو تا ز نامه کله  
 مکه پند مکه کله ال پند زبدا رسالیه  
 پند تا رو لکنشونچان رالسه نالولما  
 ببال نالولما حد و پند زبدا نالولما

مکه زبدا نالولما پند زبدا رسالیه رظلفه  
 ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 زبدا زبدا ال لوبلچ و لکنشونچان لوبلچ پت به پند  
 ع پند لوبلچ لوبلچ پند تا ز نامه کله  
 تشا نالولما پند رو با نایته و لغوشان تا به

زبدا رسالیه رظلفه  
 ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 زبدا زبدا ال لوبلچ و لکنشونچان لوبلچ پت به پند  
 ع پند لوبلچ لوبلچ پند تا ز نامه کله  
 تشا نالولما پند رو با نایته و لغوشان تا به

**زبدا رسالیه رظلفه**

تدا پند ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 زبدا زبدا ال لوبلچ و لکنشونچان لوبلچ پت به پند  
 ع پند لوبلچ لوبلچ پند تا ز نامه کله  
 تشا نالولما پند رو با نایته و لغوشان تا به

تدا پند ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 ع رسا لکنج ده پد بلو پند رسالیه رظلفه  
 زبدا زبدا ال لوبلچ و لکنشونچان لوبلچ پت به پند  
 ع پند لوبلچ لوبلچ پند تا ز نامه کله  
 تشا نالولما پند رو با نایته و لغوشان تا به

یسا: واژگونی کرده عالم پوستین  
 زاد سردان بستندگان را گشته رام  
 ابوالفرج رونی:  
 گردون زبیری هر خردمند  
 صد شربت جانگزا در آمیخت  
 بر اهل هنر جفا کند چرخ  
 نتوان زجفای چرخ بگریخت  
 چون است زمانه سفله‌پور  
 کی دست زمانه بر توان بیخت  
 عبدالواسع جیلی:

منسوخ شد سروت و معدوم شد وفا  
 زین هر دو نام ماند جو سیمبرغ و کیمیا  
 شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه  
 شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا  
 گشته است بازگوه همه رسمهای خلق  
 زین عالم سپهره و کسره و پی وفا  
 هر عاقلی به زاویه‌ای سالد مستجن  
 هر فاضلی به دایه‌ای گشته مبتلا  
 انوری ابیوردی:

کهرت و مهتر و وضع و شریف همه سرگشته‌اند و رنجورند  
 دوستان گریه دوستان نرسند اندرین روزگار معذوره  
 خاقانی شروانی:  
 در ساعت زمانه زراعت نشان مخواه  
 ترکیب عاقبت زمزاج جهان مخواه  
 در داغ دل بسوز و زمرهم اثر مجوی  
 با خویشان بساز و زهمدم نشان مخواه  
 گسر در دم تنهنگ در آیی نفس مزون  
 و در گو محیط درافتی کسوان مخواه  
 ظهیر قاریایی:

آن مدعی بی‌سرمی گشت راه حقیقی  
 یک زمان از میان کسر بگشاد لاجرم چون نگین به تاج رسید  
 جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی:  
 بنگرید این چرخ و استیلائی او  
 بنگرید این دهر و این ایشائی او  
 می‌دهد ملکی به کمتر جاهلی  
 هست با من جمله استقصائی او  
 همچو ترکان تنگ چشم آمد فلک  
 زان بود بسرجان من یغمائی او  
 و بخیر طبلی و بشکن این قلم  
 نه عطا زه رست و نه جو زائی او  
 امیر معزی:

ای ساریان منزل مکن جز در دیوار یارمن  
 تا یک زمان زاری کنم بر روع و اشلال و دمن

ربیع ازدمل پرخون کتم خاک دمن گلگون کنم  
 اطلال را جیحون کتم از آب چشم خویشتم  
 ابرست بر جای قوم، زهرست بر جای شکر  
 سنگ است برجای گهر خارست بر جای سمن  
 مسعود سعد سلمان:  
 ای دریده یوسفان را پوستین از راه ظلم  
 باش تا گرگی شوی و پوستین خود دری  
 تا به خشم و شهوتی بر متبر اندر کوی دین  
 بوسرداری، اگرچه سوی خود بر منبری  
 ویا:

داهیهایی که زاده زمن‌اند  
 بیشتر در هوای خویشتم‌اند  
 همه رشوت خوردند و قاعده خرد  
 زیربازند خوار همچون خرد

پن نویسنده‌های مقاله:

۱. تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ۵ مترجم حسن الوتبه، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۸
۲. مقاله دکتر حسن آتویی، مقدمه کتاب سیاست نامه به تصحیح دکتر جعفر شمال، سیاست نامه، تصحیح هیویرت دارک، علمی فرهنگی، ۱۳۷۸.
۳. راجه‌الصلدی، امیرکبیر محمد بن علی بن سلیمان راوندی، تصحیح محمد انبال، ص ۱۴۱.
۴. سیاست نامه هیویرت دارک، ص ۲۲-۲۴.
۵. تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران، در دوره مغولان، از پتروشفسکی، کارل پان، جان کسین، انتشارات ترجمه بنفوق آژاند، انتشارات اطلاعات سال ۱۳۶۶، ص ۲۵۲.
۶. سیاست نامه، پیشین، ص ۸۱.
۷. احسن الفاسی فی معرفة الاقلام، مقدسی، ترجمه فارسی، ص ۲۹۲، به نقل از تاریخ اسماعیلیان، دکتر پورین منزوی، ص ۳۴.
۸. قابضنامه، کیکاووس بن فیروز و کشمیر زبیری، تصحیح دکتر غلامحسین برسبی، ص ۱۱۱.
۹. برای تصویر می‌توان به داستانهای مطرح شده در سیاست نامه مثل داستان دلق‌کشی که برای اسحاق حق یک بانوی ستم دیده دایه بانک امان بی‌موقع برمی‌دارد مطرح کننده سیاست نامه، ص ۷۷.
۱۰. سیر سلطه در ایران، علامه آقبال لاهوری، ترجمه امیرحسین آریان پور، انتشارات پارسا، ۱۳۷۱، ص ۵۳.
۱۱. تاریخ بیهقی، گزیده دکتر خلیل خطیب رهبر، داستان حسنک وزیر، ص ۱۱۶-۱۱۷.
۱۲. هم‌ناهمی، حسنک وزیر و هم داستان ترکان خاوار، دختر ملکشاه که دستور داد زبان یکی از سلاطین خواران که علی را از دهانش بیرون آوردند و فحاشی ازاین قبیل (سیر فرهنگ در ایران، دکتر شاه حسینی).
۱۳. سیاست نامه، پیشین، ص ۲۱۷.
۱۴. اخبارالدوله السلجوقیه، ص ۱۸، به نقل از تاریخ ادبیات دکتر سراج، ص ۲، ص ۲۰۲.
۱۵. مثلاً کتاب فضایع الزواجر در رد باطنیه از امام محمد غزالی.
۱۶. دیوان خاقانی، مصحح دکتر سجادی، انتشارات زوای.
۱۷. تاریخ ایران، ۳۳ کتاب سیاست‌نامه.
۱۸. فرار از مدرسه، دکتر عبدالحمین زرین‌کوب، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۲۲، ص ۱۱۲.
۱۹. التریة و التعلیم، اسعد طلس، ص ۳۰-۲۹، به نقل از کتاب مدارس نظامیه و آثار علمیه علمی اجتماعی آن، دکتر نورالله کشمیری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۲، ص ۲۸۸.
۲۰. تصویرری از ناصر خسرو، علی دشتی، انتشارات جاویدان، به کوشش مهدی ماحوزی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۶.
۲۱. سیر سلطه در ایران، رهبر، ص ۵۳.